

رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی (مورد مطالعه: زنان شهر گرگان)

محمد مهدی اسلامی مرز نکلاته^{۱*}، سید جعفر موسوی^۲، غلامرضا خوشفر^۳

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران
۲. استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران
۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی و سیاسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۰۱)

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی است. نوع تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است، جامعه آماری پژوهش زنان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر گرگانند که تعداد آنها ۱۶۴۵۳۵ نفر بوده است. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۴۱۵ نفر تعیین شد و نمونه‌ها با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، میدانی و ابزار سنجش آن، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. یافته‌ها نشان داد همه ابعاد سرمایه اجتماعی (عضویت رسمی، مشارکت رسمی، اعتماد نهادی و مشارکت غیررسمی)، به جز بعد اعتماد بین‌شخصی با مشارکت ورزشی زنان رابطه معنی‌دار دارند. میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی با متغیرهای سن، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان (دختر و پسر)، سطح تحصیلات والدین، منزلت شغلی پدر، مکان سکونت در شهر (ناحیه) و به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی (به غیر از تماشای تلویزیون داخلی) رابطه معنی‌دار دارد، اما با وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان درآمد، نوع مسکن، شغل مادر و منطقه مسکونی تفاوت معنادار ندارد. طبق نتایج، در حالت کلی با افزایش سرمایه اجتماعی زنان مشارکت آنان نیز در فعالیتهای ورزشی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی

اعتماد، سرمایه اجتماعی، عضویت رسمی، مشارکت ورزشی، همکاری غیررسمی.

مقدمه

ورزش، نمونه شاخص نهادی است که ما به طور روزمره با آن آشناییم و درباره آن می‌توانیم از راه تجربه‌های شخصی، یا رسانه‌های خبری اطلاعات کسب کنیم، اما در موقعیت پژوهشگر یا جامعه‌شناس، کسب اطلاعات درباره ورزش، صورت دیگری پیدا می‌کند. ورزش و جامعه الگوهای ارزشی و به اصطلاح «پیکربندی رفتاری» مشترک‌اند. تحول و دگرگونی ورزش خارج از جامعه انجام نمی‌گیرد، بلکه توسعه آن در پیوند نزدیک با محیط اجتماعی تحقق می‌یابد که کنش درون آن انجام می‌گیرد. در واقع، ورزش بازتاب‌دهنده روابط اجتماعی جامعه است. واقعیت ورزش به منزله محصول کنش انسان، در ارتباط با فرآیندهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است. ساختارها و فرآیندهای ورزشی نتیجه سازگاری و توافق است، در نتیجه، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. بازتاب خصلت فرهنگی و اجتماعی ورزش را می‌توان در نمونه‌های ورزشی خاص و نمودهای آن در ارتباط نزدیک با جامعه مشاهده کرد. در مجموع، می‌توان گفت ورزش بیان نظام فرهنگی اجتماعی جامعه‌ای است که از بستر آن برخاسته است (راسخ، ۱۳۸۹، ص ۳۶). ورزش به‌آرامی در فرهنگ قرن بیستم جایگاهی ویژه کسب کرده است و در قرن بیست و یکم این حرکت آرام، سرعت بیشتری گرفته است. مکان‌هایی در فضای اجتماعی و لحظه‌هایی در زندگی جمعی با ورزش نشان‌گذاری شده است، مانند توسعه باشگاه‌های ورزشی، توسعه ورزش‌های همگانی، ایجاد ایستگاه‌های تندرستی در اماکن عمومی مانند پارک‌ها، پیاده‌روها و جز آن. با توجه به آمارها، در سال‌های اخیر، اختصاص بخشی از زمان افراد به ورزش در طول هفته نشان‌دهنده توجه بیشتر افراد به سلامت روح و جسم در عصر صنعتی شدن است.

از طرفی، امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فیزیکی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مطرح شده است. سرمایه اجتماعی مانند مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی (ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهد)، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. می‌توان سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف

کرد: «سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند» (فیلد، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

ورزش به عنوان یکی از مظاهر فردی - اجتماعی، ضمن حفظ و بقای سلامت روحی و جسمی آحاد جامعه، جهت ایفای صحیح نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی اهمیت دارد. ورزش علاوه بر این، منافع اجتماعی خردتری دارد، مانند افزایش حرمت و اعتماد به نفس، صاحب قدرت و اختیار شدن گروه‌های فاقد مزیت‌های اجتماعی، اصلاح و بهبود توانایی‌ها اجتماع به پذیرش ابتکار و نوآوری، تقلیل در جرم، خرابکاری، تخلف و انحراف اجتماعی، افزایش وحدت اجتماعی و همکاری، گسترش هویت جمعی و افزایش همبستگی، تشویق بهترین بودن در جامعه، ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید، افزایش تولید به وسیله افزایش سطح سلامت نیروی کار، بهبود و افزایش سلامت عمومی در جامعه و جز آن (پارسامهر، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

گرایش فزاینده به ورزش باعث پیدایش مسائل و موضوعاتی شده است که ماهیت اجتماعی دارند. از آنجا که نیازهای حقیقی مردم، در واقع، از شرایط اجتماعی و اقتصادی سرچشمه می‌گیرد، این امر به‌ویژه در پی دگرگونی‌های ناشی از رهیافت‌های تغییر اجتماعی، عوامل انتقال فرهنگی، پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری و تکامل شیوه‌های اطلاع‌رسانی نمایان‌تر است. از سوی دیگر، بی‌شک میان ورزش و نیروهای گوناگون اجتماعی آثار متقابلی متقابلی وجود دارد، بنابراین، مسئولان ورزش و تربیت بدنی باید ابعاد اجتماعی و فرهنگی ورزش را در نظر گیرند و نقش‌ها و آثار حیاتی این پدیده اجتماعی را درک کنند و در تقویت نظام تربیت بدنی و ورزش مانند یک نظام اجتماعی - فرهنگی مهم تلاش کنند.

با توجه به ظهور پدیده نوسازی و جامعه مدرن، ساختارهای سنتی جامعه کهن که مخالف حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی است، درهم خواهد شکست و زنان مانند مردان، فعال و خواهان حضور در عرصه‌های گوناگون زندگی جمعی خواهند شد، لذا باید زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر شرکت زنان در عرصه‌های گوناگون کشف و تقویت شود، زیرا داشتن جامعه‌ای برابر از نظر جنسیتی، عاملی مهم برای توسعه و آبادانی کشورمان خواهد شد. بنابراین، باید مشخص شود

آیا بین سرمایه اجتماعی زنان با مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی در سطوح مختلف آن رابطه وجود دارد؟ آشنایی با این فرصت‌ها و چالش‌ها در گرو سنجش رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی زنان در جامعه آماری تحقیق است. تحقیق حاضر درصدد است رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی را بررسی کند. اهداف جزئی این تحقیق عبارت است از سنجش میزان مشارکت ورزشی افراد جامعه آماری، سنجش ابعاد عضویتی، اعتمادی و مشارکتی (رسمی / غیررسمی) سرمایه اجتماعی، بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی (عضویت رسمی، مشارکت رسمی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی) با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، و بررسی رابطه متغیرهای فردی (سن، سطح تحصیلات، درآمد و جز آن) با مشارکت ورزشی زنان.

مبانی نظری تحقیق

سرمایه اجتماعی

در اواخر دهه ۱۹۹۰ مفهوم سرمایه اجتماعی علاقه محققان و سیاست‌گذاران را جلب کرد. این علاقه نه تنها باعث گسترش گزارش‌ها و نتایجی شد که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن را تشریح می‌کرد، جنبه‌های مربوط به آن، مانند مراحل توسعه اقتصادی و تولید و زندگی اجتماعی (بهداشت و مسکن) را نیز شرح می‌داد (Alessandra Righi, 2013, p.5). سرمایه اجتماعی یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های دخیل در موضوع‌های شهری محسوب می‌شود که بی‌توجهی به آن به معنای کنار گذاشتن عاملی کلیدی در امر برنامه‌ریزی شهری است (عیوضلو، ۱۳۹۱، ص ۵). سرمایه اجتماعی نباید به عنوان بخش افزودنی در سیاست‌ها باشد، بلکه، سرمایه اجتماعی باید به عنوان اصل و راهنمای برای برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی عمل کند و همه سیاست‌ها و برنامه‌ها باید سرمایه اجتماعی را در فرایندهای برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در نظر گیرند (Wong, 2013, p.115). سرمایه اجتماعی منبعی مهم است که شهرها می‌توانند برای حل مشکلات و گسترش کیفیت زندگی به‌کار گرفته شود (Besser, 2009, p.185). در تعریف سرمایه می‌توان گفت، سرمایه

ثروتی مولد است، یا منبعی که شخص می‌تواند برای ایجاد درآمد با کسب منابع اضافی دیگر به کار گیرد. این منبع ممکن است پولی و غیرپولی، و نیز ملموس و غیرملموس باشد. امروزه یکی از بحث‌انگیزترین موضوع‌ها در بین اندیشمندان اجتماعی این است که سرمایه اجتماعی را چگونه تعریف و اندازه‌گیری کنیم؟

جدول ۱. چارچوب نظری سرمایه اجتماعی

نام نظریه پرداز	نظریه
کلمن	اشکال عمده سرمایه اجتماعی تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، روابط اقتدار سازمان اجتماعی انطباق‌پذیر و سازمان تعهدی است (Coleman, 1988).
بورديو	سرمایه اجتماعی، موفقیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. او تطابق میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد (Bourdieu, 1986, p.251).
	سرمایه اجتماعی عبارت است از «اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازند».
پاتنام	شبکه‌های مشارکت مدنی (مانند انجمن‌های شکل گرفته در نظام همسایگی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و غیره) از اشکال اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این شبکه‌ها، هنجار معامله‌به‌مثل را در جامعه تقویت می‌کنند (شارع‌پور، ۱۳۸۵، ص ۳۵).
فوکویاما	دو ویژگی مهم سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست، نه انسان‌ها و افراد؛ ۲. سرمایه اجتماعی لزوماً امر مطلوبی نیست. هر چند این عدم مطلوبیت که با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد مطرح شده است، چندان تحلیل نشده است.

مدل‌های مختلف در حوزه مشارکت ورزشی

برخی مدل‌هایی که در حوزه مشارکت ورزشی طراحی شده‌اند، به شرح زیر است:

مدل نظری گولد: اولین مدل تبیین‌کننده مشارکت در فعالیت ورزشی توسط گولد مطرح شد که برای انصراف جوانان از ورزش طراحی شد و در آن بر عوامل درون‌فردی و موقعیتی و انگیزه‌ها تأکید شده است. به اعتقاد او عوامل مؤثر بر انصراف ورزشی عبارت‌اند از تضاد منافع،

فقدان موفقیت، عدم پیشرفت، فشار روانی، فقدان لذت و تفریح، صدمه و آسیب دیدن و بی‌علاقگی به مربی. او معتقد است که فرد با تحلیل هزینه - فایده، میزان رضایت و خشنودی خود را از این فعالیت می‌سنجد، سپس، آن را با فعالیت‌های دیگر جایگزین، مقایسه می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۱، ص ۷۹).

مدل نظری گریندورفر^۱: گریندورفر (۱۹۹۲) با به‌کارگیری دیدگاه‌های جامعه‌شناختی درباره جامعه‌پذیری ورزشی تحقیق کرده است و سه دسته عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی را تعیین کرده است. این عوامل عبارت‌اند از:

- ویژگی‌های فردی (شخصیت، اهداف معطوف به موفقیت، شایستگی، تجربه)؛
- دیگران مهم (والدین، دوستان، مربیان ورزشی و الگوهای نقشی)؛
- موقعیت‌های جامعه‌پذیرکننده (فرهنگ).

از طریق ترکیب آثار این سه عامل، یادگیری نقش صورت می‌پذیرد. در این مدل خویش برای تعیین میزان مشارکت ورزشی و تداوم آن بر اهمیت مدل‌های نقش، جنسیت و تجربه تأکید شده است (شارع‌پور، ۱۳۸۱، ص ۷۹).

مدل نظری ویز و شومتون^۲: به اعتقاد بسیاری از محققان، کامل‌ترین مدل برای تبیین مشارکت در ورزش توسط این دو محقق طراحی شده است. آن‌ها با رهیافت شناخت اجتماعی تأکید بر این دارند که چگونه عوامل فردی، اجتماعی و موقعیتی بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارد و شناخت فرد درباره مشارکت ورزشی را شکل می‌دهد. آن‌ها با به‌کارگیری بسیاری از نظریه‌های مهم در این زمینه، مدل انگیزشی خاصی را طراحی کرده‌اند. براساس این مدل، مهم‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت ورزشی و تداوم آن، جهت‌گیری انگیزشی فرد است. یعنی آیا فرد جهت‌گیری درونی دارد، یا جهت‌گیری بیرونی و معطوف به نتیجه و پیامد؟ فرد با جهت‌گیری درونی نوعی نظام

1. Gerindurfer

2. Weiss and Chaumeton

خودپاداش دهی را به کار می‌گیرد. در نتیجه، کنترل درونی و ادراک مطلوبی از شایستگی خود دارد. نتیجه این فرایندها، افزایش احتمال مشارکت او در ورزش است. در مقابل، فرد با جهت‌گیری بیرونی برای قضاوت درباره توانمندی‌های فردی خویش، نتیجه و پیامد (پیروزی در ورزش) را به کار می‌گیرد. برخلاف شایستگی‌های موجود در این مدل، تأکید فراوان آن بر جهت‌گیری انگیزشی افراد سبب بی‌توجهی به عوامل مؤثر دیگر شده است.

پیشینه پژوهش

در موضوع پژوهش می‌توان به مطالعاتی که در داخل و خارج کشور انجام گرفته است، اشاره کرد از جمله مطالعه خوش‌فر (۱۳۸۷) با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - مطالعه موردی استان گلستان»، نتایج تحقیق نشان داده است سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به عنوان نظریه‌ای برای تبیین کنش‌های اجتماعی و سیاسی اهمیت دارد که باید به آن در رویکردهای پژوهشی آتی توجه شود. تحقیق یاکایاسو^۱ و همکاران (۲۰۱۰) با عنوان «رابطه بین کلوپ‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی در ژاپن، یک مطالعه مقایسه‌ای بین کلوپ‌های ورزشی مدرن و کلوپ‌های ورزشی سنتی»، نشان داد بین نوع کلوپ‌های ورزشی و سرمایه اجتماعی تفاوت زیادی وجود دارد. یافته‌ها همچنین نشان داد مکان کلوپ‌های ورزشی برای تولید سرمایه اجتماعی مهم است. نتایج مطالعه شارع‌پور و حسینی‌راد (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۲۹-۱۵ ساله شهر بابل)، نشان داد مؤلفه‌های ارتباطات دوستانه، اعتماد به دوستان، اعتماد به همسایگان، روابط همسایگی و انجام‌دادن فعالیت‌های داوطلبانه، با مشارکت ورزشی همبستگی معنی‌دار دارند. همچنین، متغیرهای عضویت داوطلبانه، اعتماد به دوستان، وضعیت اقتصادی خانواده و ارتباطات دوستانه به ترتیب، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مشارکت ورزشی‌اند. یافته‌های تحقیق حاضر تا حدود زیادی مؤید نظریه پاتنام

1. Isao Okayasu

درباره تأثیر غالب عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و سازمان‌ها بوده است. تحقیق بریدولد^۱ (۲۰۰۳) با موضوع «ورزش و سرمایه اجتماعی» در هلند انجام گرفت. در این داده‌های حاصل از یک سری پیمایش مقطعی در هلند از سال ۱۹۷۵ الی ۲۰۰۰ به کار گرفته شد. نتایج نشان داد تفاوت بین زن‌ها و مرد‌ها و سطح تحصیلات بالاتر و پایین‌تر در بخش مشارکت در انواع ورزش‌ها در کل زمان تحقیق کاهش یافته است و هنوز این تفاوت کاملاً معنی‌دار است. افرادی که در ورزش مشارکت می‌کردند نسبت به افراد، اعتماد اجتماعی بیشتری داشتند و به حضور در کارهای داوطلبانه علاقه بیشتری داشتند.

انگیزه مشارکت در ورزش سازه‌ای چندبعدی است که می‌توان از زوایای مختلف نظری به آن توجه کرد. البته این دیدگاه‌های نظری وجوه مشترکی نیز دارند.

روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری

نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی بوده است. جامعه آماری این تحقیق همه زنان بالای ۱۸ سال در شهر گرگان که جمعیت آنان طبق آخرین اطلاعات آماری (سال ۱۳۹۲) معادل ۱۶۴۵۳۵ نفر بوده است. توجیه گروه سنی در این تحقیق با توجه به ماهیت تحقیق است، مبدأ سن قانونی، یعنی ۱۸ سال در نظر گرفته شد، زیرا متغیر مستقل سرمایه اجتماعی است و تأثیرش در چنین سنی به بعد بیشتر نمود می‌یابد. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای دومارحله‌ای است. بدین گونه که در مرحله اول، نمونه شهر گرگان بوده است، سپس، در مرحله دوم، با توجه به نقشه شهر گرگان، همه محلات آن (۹۰ محله) انتخاب و در آن محلات، نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد و از ساکنین محله، اطلاعات جمع‌آوری شد. تعیین حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۴۱۵ نفر محاسبه شد.

1. Koen Breedveld

ابزار و روش گردآوری داده‌ها

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است که در تعداد ۸۵ سؤال در قالب سؤال‌های بسته به پاسخگویان داده شده است. برای اعتماد (پایایی) گویه‌ها، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر با ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده بالابودن ضریب همسانی درون (آلفا) آن‌هاست. همچنین، این متغیرها بر اساس نظر خبرگان ورزشی، اعتبار صوری نیز داشتند.

جدول ۲. بررسی وضعیت مقدار آلفای شاخص‌ها

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
کل	مشارکت	مشارکت	مشارکت	سرمایه	مشارکت	اعتماد	اعتماد	مشارکت	متغیر
پرسشنامه	ورزشی	عینی	ذهنی	اجتماعی	غیررسمی	نهادی	بین‌شخصی	رسمی	
۸۵	۱۴	۶	۸	۵۷	۱۳	۱۴	۱۰	۱۰	تعداد گویه
۰/۸۲	۰/۸۰	۰/۸۲	۰/۶۵	۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۸۴	ضریب آلفا

یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان از نظر سنی، ۲۰ تا ۲۹ سال، از نظر درآمد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان هستند و بیشتر از تلویزیون داخلی استفاده می‌کنند و از نظر تحصیلات، دیپلم و به لحاظ نوع شغل، شغل آزاد هستند. همچنین، بیشتر افراد نمونه متأهل بوده‌اند.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی (اصلی: مستقل/وابسته)

ردیف	شاخص	درصد نسبی				میانگین کل	
		هیچ خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد		
۱	مشارکت رسمی	۲۱/۵۵	۱۸/۰۸	۲۵/۰۵	۱۹/۹۷	۱۳/۴۳	۲/۸۹۵
۲	اعتماد بین‌شخصی	۱۰/۵۲	۱۴/۷۱	۳۰/۳۸	۲۳/۰۱	۲۱/۲۸	۳/۳۱۵
۳	اعتماد نهادی	۱۰/۴۷	۱۲/۵۴	۳۰/۲۵	۳۰/۲۵	۱۷/۰۲	۳/۳۵۴
۴	مشارکت غیررسمی	۱۴/۷۳	۱۲/۶۶	۱۴/۷۳	۱۵/۳۵	۴۲/۵۱	۳/۵۸۲
۵	مشارکت ورزشی ذهنی	۱۳/۲۵	۱۵/۲۸	۲۶/۳۷	۲۶/۳۵	۲۲/۰۲	۳/۳۵۱
۶	مشارکت ورزشی عینی	۲۱/۹۶	۱۵/۷۱	۲۳/۶۸	۱۹/۸۸	۱۳/۴۸	۲/۸۱۹

با توجه به جدول ۳، از نظر میانگین، شاخص‌ها، به ترتیب بیشترین به کمترین عبارت‌اند از مشارکت غیررسمی، اعتماد نهادی، مشارکت ورزشی ذهنی، اعتماد بین‌شخصی، مشارکت رسمی و مشارکت ورزشی عینی. به لحاظ نمره مفهوم سرمایه اجتماعی، دو شاخص اخیر، نمره متوسط، به پایین و سه شاخص اول، نمره متوسط به بالا را کسب کردند.

جدول ۴. آزمون فرضیه‌ها

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	میزان همبستگی	نوع آزمون	سطح متغیر وابسته	متغیر مستقل
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۵/۳۴	آزمون تی زوجی	اسمی دوشقه	وضعیت تأهل
رد شد.	۰/۸۸۰	۰/۰۲۳			منطقه مسکونی
رد شد.	۰/۱۴۱	۱/۹۷۰			وضعیت اشتغال
رد شد.	۰/۹۱۱	۰/۳۰۱	آنالیز واریانس	اسمی چندشقه	نوع شغل
رد شد.	۰/۱۱۵	۱/۹۹۲			نوع سکونت
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۴/۱۳۹			شغل پدر
رد شد.	۰/۷۷۹	۰/۵۳۸			شغل مادر
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۴/۶۶۹			ناحیه شهری
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۱۴۷**			سطح تحصیلات
رد شد.	۰/۱۸۰	۰/۰۷۵	اسپیرمن	ترتیبی	میزان درآمد
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۲۸۵**			سطح تحصیلات پدر
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۳۰۳**			سطح تحصیلات مادر
تأیید شد.	۰/۰۰۰	-۰/۳۰۸**			سن
تأیید شد.	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۵**			تعداد فرزندان دختر
تأیید شد.	۰/۰۰۰	-۰/۲۱۹**			تعداد فرزندان پسر
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸**			استفاده از وسایل ارتباط جمعی
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۲۶۲**			سرمایه اجتماعی
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۲۳۳**			عضویت رسمی
تأیید شد.	۰/۰۰۰	۰/۳۰۵**			مشارکت رسمی
رد شد.	۰/۹۱۳	۰/۰۰۵	پیرسون	فاصله‌ای	اعتماد بین شخصی
تأیید شد.	۰/۰۳۰	۰/۱۰۶*			اعتماد نهادی
تأیید شد.	۰/۰۰۱	۰/۱۶۷**			مشارکت غیررسمی

مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی

نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان داد از نظر وضعیت تأهل، زنان مجرد وقت بیشتری برای

مشارکت در فعالیتهای ورزشی دارند از طرفی، از نظر زندگی در مناطق دوگانه شهر گرگان، زندگی کردن در منطقه یک، یا منطقه دو در مشارکت ورزشی زنان تأثیر معنی دار ندارد.

نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد، خانهدار، شاغل یا بیکاربودن زنان در میزان مشارکت ورزشی آنان تأثیر معنی دار ندارد. از نظر نوع شغل، تفاوت شغلی زنان در میزان مشارکت ورزشی آنان تأثیر معنی دار ندارد.

از نظر نوع سکونت شاید عدم تفاوت معنی دار در فعالیتهای ورزشی کسانی که مستأجرند، یا خانههای سازمانی یا رهنی دارند، نسبت به افرادی که خانههای شخصی دارند، این باشد که افراد گروه اول شاید از سنین کمتری داشته باشند و به علت جوان تر بودن، وقت بیشتری برای ورزش کردن دارند. در نتیجه، میزان فعالیتهای ورزشی آنها نسبت به کسانی که از نظر مسکن مشکل و دغدغهای ندارند، تفاوت معناداری ندارد.

همچنین، به ترتیب، پدرانی که مشاغل کارمندی، عالی رتبه (پزشک و استاد دانشگاه) و بازنشسته، کشاورزی، نظامی، آزاد و کارگری دارند، فرزندانشان مشارکت ورزشی بالاتری داشته اند. یعنی فرزندان کارمندان بیشترین و فرزندان کارگران کمترین مشارکت ورزشی را داشته اند. همچنین، نوع شغل مادر بر میزان فعالیتهای ورزشی دخترانشان تأثیر معنادار ندارد. نتایج همچنین نشان داد، بر اساس نواحی شش گانه شهر گرگان، مشارکت ورزشی متفاوتی را شاهد هستیم.

نتایج آزمون اسپیرمن نشان داد، با افزایش سطح سواد، آگاهی افراد نسبت به فواید ورزش بیشتر می شود، از طرفی، افزایش، یا کاهش درآمد تأثیر معنی داری در میزان مشارکت ورزشی بانوان ندارد. از نظر تحصیلات والدین، نتایج نشان داد با افزایش سطح سواد والدین مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می یابد و بالعکس.

نتایج آزمون پیرسون (مستقل زمینه ای) نشان داد خود سن به تنهایی بر مشارکت ورزشی زنان تأثیرگذار نیست، بلکه با افزایش سن به دلیل اینکه اتفاقهای جدیدی در زندگی زنان مثل ازدواج، بچه دار شدن، شاغل شدن و جز آن رخ می دهد، با افزایش سن زنان، مشارکت در فعالیتهای ورزشی کاهش می یابد. همچنین، با توجه به نتایج، با افزایش تعداد فرزندان دختر و پسر میزان مشارکت ورزشی زنان کاهش می یابد.

نتایج نشان داد بین متغیر ابزارهای رسانه‌ای به استثنای یک مورد آن (تماشای تلویزیون ملی) با مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش مصرف رسانه‌ای، مشارکت ورزشی زنان افزایش می‌یابد و بالعکس، که به ترتیب میزان تأثیرگذاری بیشتر در سطح ۹۹ درصد اطمینان، عبارت‌اند از استفاده از تلفن همراه، مطالعه روزنامه و مجلات، استفاده از اینترنت، تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای، و در سطح ۹۵ درصد اطمینان گوش دادن به رادیو.

نتایج آزمون پیرسون (مستقل اصلی) نشان داد با افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان، میزان مشارکت اجتماعی، میزان عضویت رسمی و غیررسمی در گروه‌های اجتماعی و میزان اعتماد نهادی، مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین، نتایج نشان داد اعتماد بین‌شخصی با متغیر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی رابطه معنادار ندارد.

رگرسیون چندگانه برای به این پرسش پاسخ می‌دهد که بین عوامل گوناگون مؤثر (سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌هایش و متغیرهای زمینه‌ای) بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی کدامیک تأثیر بیشتری دارند؟ جهت پیش‌بینی تغییرات میزان متغیر وابسته (مشارکت ورزشی زنان) تحت تأثیر متغیرهای مستقل (زمینه‌ای و اصلی)، رگرسیون چندگانه اجرا شد.

جدول ۵. تأثیر سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن بدون اعمال متغیرهای زمینه‌ای

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۰,۳۳۴	۰,۱۱۲	۰,۱۰۰	۱,۲۴۵

ضریب رگرسیون چندگانه تعدیل شده حاکی از آن است که ۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته به تغییرات متغیرهای مستقل مدل مربوط است.

جدول ۶. تأثیر سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با در نظر گرفتن متغیرهای زمینه‌ای

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۰,۵۵۲	۰,۳۰۵	۰,۲۷۲	۱,۱۶۴

براساس جدول ۲۷/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به تغییرات متغیرهای مستقل بستگی دارد.

جهت تعیین متغیرهای مهم ضریب رگرسیونی (وزن بتا) به کار گرفته می‌شود. بر اساس وزن بتا متغیرهای مشارکت رسمی، سن، مشارکت غیررسمی، تحصیلات پدر، و مصرف رسانه‌ای به ترتیب، در تغییرات متغیر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی بیشترین تأثیر را دارند. از طرف دیگر، اعتماد شخصی، اعتماد نهادی، عضویت رسمی، سطح تحصیلات، میزان درآمد، تعداد فرزندان دختر و پسر، در نهایت، تحصیلات مادر تأثیر چندانی در تغییرات متغیر وابسته ندارد.

تحلیل مسیر

هدف از تحلیل مسیر، کشف متغیرهایی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند، در تحقیق حاضر هدف اصلی بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل شامل ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی، عضویت رسمی، مشارکت رسمی، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، مشارکت غیررسمی، و متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، سطح تحصیلات، درآمد، تعداد فرزندان دختر، تعداد فرزندان پسر، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر و مصرف رسانه‌ای بر «مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی» به عنوان متغیر وابسته است، که نتیجه آن را در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل مسیر

برچسب	نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
X1	عضویت رسمی	-	-	-
X2	مشارکت رسمی	۰,۲۶۲	-	۰,۲۶۲
X3	اعتماد بین شخصی	-	-	-
X4	اعتماد نهادی	-	-	-
X5	مشارکت غیررسمی	۰,۱۴۹	۰,۰۸۱	۰,۲۳
X6	وسایل ارتباط جمعی	۰,۱۲۶	۰,۰۴	۰,۱۶۶
X7	سن	-۰,۲۳۹	۰,۰۱	-۰,۲۲۹

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مشارکت رسمی بیشترین اثر مستقیم و مشارکت غیررسمی بیشترین اثر غیرمستقیم را بر فعالیت ورزشی بانوان داشته است. این نتیجه نشان می‌دهد برای

ارتقای فعالیت‌های ورزشی بانوان نیاز به افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های غیررسمی است. عضویت در انجمن‌های خیریه و هیئت‌های مذهبی نمونه‌ای از مشارکت غیررسمی است که می‌تواند مشوق و ترغیب‌کننده بانوان به انجام‌دادن فعالیت‌های ورزشی و مشارکت در امور ورزشی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت زنان یکی از شاخص‌های مهم در توسعه پایدار است و هر کشوری که در آن مشارکت زنان بالا باشد، نشان از توسعه آن کشور دارد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد عوامل اجتماعی، فرهنگی، تعصبات و انتظارات متفاوت جامعه از زن و مرد، موانعی مهم بر سر راه مشارکت زنان به وجود آورده است. در کشور ایران نیز این مشکل تا حدودی به چشم می‌خورد و زنان آن طور که باید و شاید نتوانسته‌اند جایگاه خویش را در مشارکت‌های گوناگون بیابند. حدود نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهد. بنابراین، ما اگر بتوانیم به‌درستی این ظرفیت بالقوه را بالفعل کنیم، در واقع، گام بلندی را به سوی توسعه برداشته‌ایم. ورزش یکی از حوزه‌هایی است که در ایران در زمینه حضور زنان با ضعف مواجه است. با توجه به جمعیت زنان در ایران و استعداد بالایی که زنان ایران دارند، واضح است، موفقیت کمتر زنان در حوزه ورزش بوده است. بنابراین، نیازمند مطالعات بیشتری در این زمینه هستیم و این موضوع باید جزء سرفصل‌های اصلی مسئولان و مدیران در برنامه‌ها باشد. با توجه به اهمیت این موضوع و ضعف‌هایی که در این زمینه وجود دارد، این پژوهش در این زمینه، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی را هدف اصلی خود قرار داده است. نتایج نشان داد افزایش سن به کاهش مشارکت در فعالیت‌های ورزشی منجر می‌شود، با افزایش تعداد فرزندان میزان مشارکت ورزشی زنان کاهش می‌یابد و با افزایش مصرف رسانه‌ای، مشارکت ورزشی زنان افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش سرمایه اجتماعی زنان، میزان مشارکت اجتماعی در گروه‌های رسمی و غیررسمی و اعتماد نهادی مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی نیز افزایش می‌یابد، اما اعتماد بین‌شخصی با متغیر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنادار ندارد.

از نظر وضعیت تأهل، زنان مجرد وقت بیشتری برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی دارند و احتمال می‌رود پدران و برادران نسبت به همسران (شوهران) در جامعه‌ای چون ایران کمتر مانع آزادی دختر و یا خواهرانشان شوند و اجازه دهند که او در فعالیتهای اجتماعی و تفریحی مانند ورزش حضور داشته باشد، یا شاید خود نفس ازدواج به کاهش ورزش زنان منجر نشود، بلکه ازدواج با خود بارداری را همراه دارد و مسائل ناشی از فرزندآوری و نگهداری از فرزند احتمالاً از میزان فعالیتهای ورزشی زنان می‌کاهد. از طرفی، از نظر زندگی در مناطق دوگانه شهر گرگان، زندگی کردن در منطقه یک، یا منطقه دو در مشارکت ورزشی زنان تأثیر معنی‌دار ندارد. شاید علت این امر، گستردگی مکانی این دو منطقه باشد، زیرا در دو منطقه، محلات فقیرنشین و مرفه‌نشین وجود دارد.

نتایج نشان داد، خانه‌دار، شاغل یا بیکار بودن زنان در میزان مشارکت ورزشی آنان تأثیر معنی‌دار ندارد، شاید یکی از علت‌های این امر این باشد که ما در نگاه اول انتظار داریم زنان خانه‌دار به علت داشتن وقت بیشتر نسبت به زنان شاغل ورزش بیشتری نیز داشته باشند ولی احتمال دارد زنان خانه‌دار به علت وابستگی مالی به همسرانشان استقلال کمتری نسبت به زنان شاغل در خانواده داشته باشند و به دنبال آن کمتر بتوانند به فعالیتهای تفریحی مانند ورزش بپردازند. از نگاه دیگر، شاید تصور شود زنان شاغل به علت استقلال مالی بیشتر به ورزش کردن بپردازند، ولی احتمال دارد به علت خستگی ناشی از محیط کار و نیز رسیدگی به وظایف دیگرشان در خانواده، وقت کافی برای انجام‌دادن فعالیتهای ورزشی نداشته باشند.

از نظر نوع شغل، تفاوت شغلی زنان در میزان مشارکت ورزشی آنان تأثیر معنی‌دار ندارد. شاید علت این باشد که انجام‌دادن فعالیتهای ورزشی برای زنان در جوامع بسته‌ای مثل ایران بیشتر از جانب مدیران خانواده که اغلب مردانند، چه پدران، چه برادران و همسران، تقویت و یا تضعیف شود.

از نظر نوع سکونت شاید عدم تفاوت معنی‌دار در فعالیتهای ورزشی کسانی که مستأجرند، یا خانه‌های سازمانی یا رهنی دارند، نسبت به افرادی که خانه‌های شخصی دارند، این باشد که افراد گروه اول شاید از سنین کمتری داشته باشند و به علت جوان‌تر بودن، وقت بیشتری برای

ورزش کردن دارند. در نتیجه، میزان فعالیت‌های ورزشیشان نسبت به کسانی که از نظر مسکن مشکل و دغدغه‌ای ندارند، تفاوت معناداری ندارد.

همچنین، به ترتیب، پدرانی که مشاغل کارمندی، عالی رتبه (پزشک و استاد دانشگاه) و بازنشسته، کشاورزی، نظامی، آزاد و کارگری دارند، فرزندانشان مشارکت ورزشی بالاتری داشته‌اند. یعنی فرزندان کارمندان بیشترین و فرزندان کارگران کمترین مشارکت ورزشی را داشته‌اند، که نشان می‌دهد پدران به دلیل داشتن قدرت بیشتر نسبت به مادر در کانون خانواده به‌ویژه توجه بیشتر به کنترل دخترانشان، اگر تفکر مثبت نسبت به اجتماعی شدن دخترانشان داشته باشند، می‌توانند بر میزان مشارکت ورزشی فرزندان دخترشان بسیار تأثیرگذار باشند.

نوع شغل مادر بر میزان فعالیت‌های ورزشی دخترانشان تأثیر معنادار ندارد، این نتیجه شاید به این دلیل باشد که کسب اجازه برای حضور در فعالیت‌های ورزشی برای دختران بیشتر از جانب پدران تقویت می‌شود.

همچنین، نتایج نشان داد، بر اساس نواحی شش‌گانه شهر گرگان، مشارکت ورزشی متفاوتی را شاهد هستیم که در این شش ناحیه به ترتیب، از بیشترین تا کمترین مشارکت ورزشی عبارت‌اند از نواحی پنج، چهار، سه، دو و یک. شاید یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بیش بودن فعالیت‌های ورزشی در نواحی یادشده وجود ورزشگاه‌های بیشتر و امکانات ورزشی فراهم‌تر نسبت به نواحی دیگر شهری است.

از طرفی، با افزایش سطح سواد، آگاهی افراد نسبت به فواید ورزش بیشتر می‌شود، همچنین، افراد باسواد می‌توانند مشاغل با منزلت و درآمد بالا را بیشتر کسب کنند، در نتیجه، دغدغه‌های معیشتی کمتر و برای فعالیت‌های رفاهی وقت بیشتری دارند.

از طرفی، افزایش، یا کاهش درآمد در میزان مشارکت ورزشی بانوان تأثیر معنی‌دار ندارد. شاید علت عدم رابطه بین این دو متغیر در بین زنان این است که زنان جامعه ما اغلب خانه‌دار هستند و درآمد مستقل ندارند. همچنین، این نتیجه نشان می‌دهد گروه‌های درآمدی مختلف گرایش‌های ورزشی یکسانی دارند و در نظر و عمل مشارکت ورزشی مشابهی را نشان می‌دهند.

از نظر تحصیلات والدین، نتایج نشان داد با افزایش سطح سواد والدین مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. بدیهی است که والدین تحصیل کرده اهمیت ورزش را بیشتر درک می‌کنند و فرزندانشان را جهت مشارکت در فعالیتهای ورزشی ترغیب می‌کنند. نکته دیگر آنکه با توجه به اینکه در جامعه ایران تا حدودی سنت‌های کهن مانند مخالفت کردن با حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، ورزشی و جز آن وجود دارد، تحصیلکردگان به خاطر به دست آوردن نگاهی نو و مدرن با چنین امری نه تنها مخالفت نمی‌کنند، بلکه فرزندان خود را به چنین امری تشویق خواهند کرد.

از سویی درباره متغیر سن، نتایج نشان داد، سن به تنهایی بر مشارکت ورزشی زنان تأثیرگذار نیست، بلکه با افزایش سن به دلیل اینکه اتفاق‌های جدیدی در زندگی زنان مثل ازدواج، بچه‌دار شدن، شاغل شدن و جز آن رخ می‌دهد، با افزایش سن زنان، مشارکت در فعالیتهای ورزشی کاهش می‌یابد. همچنین، با توجه به نتایج، با افزایش تعداد فرزندان دختر و پسر میزان مشارکت ورزشی زنان کاهش می‌یابد. بدیهی است با افزایش تعداد فرزندان مشکلات مادران بیشتر می‌شود. در نتیجه، وقت کمتری برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی خواهند داشت.

بین متغیر ابزارهای رسانه‌ای به استثنای یک مورد آن (تماشای تلویزیون ملی) با مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. یعنی با افزایش مصرف رسانه‌ای، مشارکت ورزشی زنان افزایش می‌یابد و بالعکس، که به ترتیب میزان تأثیرگذاری بیشتر در سطح ۹۹ درصد اطمینان، عبارت‌اند از استفاده از تلفن همراه، مطالعه روزنامه و مجلات، استفاده از اینترنت، تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای، و در سطح ۹۵ درصد اطمینان گوش دادن به رادیو. به احتمال زیاد این نتیجه نشان‌دهنده این است که افراد با دیدگاه استفاده از رسانه داخلی، مذهبی‌ترند و خانواده سنتیشان بیشتر مانع فعالیتهای ورزشی آنان می‌شود، ولی کسانی که با وسایل مدرن (تماشای ماهواره، استفاده طولانی‌تر از تلفن همراه، اینترنت و جز آن) ساعات بیشتری را می‌گذرانند در خانواده‌ای به‌روزتر و از نظر فکری مادی‌گراترند، در نتیجه، به سلامتی و زیبایی جسمانی بیشتر اهمیت می‌دهند و میل و رغبت افزونتری به انجام دادن فعالیتهای ورزشی دارند.

با افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان، میزان مشارکت اجتماعی، میزان عضویت رسمی و

غیررسمی در گروه‌های اجتماعی و میزان اعتماد نهادی، مشارکت ورزشی زنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین، نتایج نشان داد اعتماد بین‌شخصی با متغیر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی رابطه معنادار ندارد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج و شناختی که از ضعف‌ها و مشکلات در این زمینه به دست آمد و در راستای پوشش این ضعف‌ها، پیشنهادهای زیر توصیه می‌شود:

- توجه نهادهای بالادستی برای بررسی قوانین و مقررات مربوط به حقوق زن و مرد در جهت اصلاح آن‌ها.
- به‌کارگیری ابزارهای مناسب تبلیغاتی جهت اطلاع‌رسانی بیشتر در زمینه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (به‌ویژه تلویزیون و رادیو که مخاطبان زیادی دارند).
- بهبود و گسترش زمینه‌های فرهنگی برای ازبین‌بردن تعصبات غیرمنطقی در جهت حضور بیشتر زنان در فعالیت‌های ورزشی.
- تدوین سیاست‌هایی برای مشارکت‌پذیری بیشتر زنان در تهیه، اجرا و نظارت برنامه‌ها و طرح‌های ورزشی.
- افزایش آگاهی زنان برای حضور مستمر در زمینه فعالیت‌های ورزشی با داشتن برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب.
- ایجاد امکانات ورزشی برابر برای زنان و مردان (ایجاد امکانات ورزشی با توجه به جمعیت زنان و مردان نه صرفاً بر اساس جنسیت).
- ایجاد امکانات و وسایل ورزشی به نسبت برابر در همه نواحی شهری گرگان.
- ایجاد مکان‌ها و امکانات ورزشی مناسب و زیاد برای زنان سن بالا.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی: مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۴، صفحات ۴۹-۷۳.
۲. اسلامی مرزنکلاته، محمدمهدی (۱۳۹۲). *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات مازندران.
۳. پارسامهر، مهربان (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی ورزش*. یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی: ثروت نامرئی». مصاحبه با دکتر توسلی، دکتر ذکایی و دکتر شارع‌پور، *مجله فرهنگ و پژوهش*، شماره ۱۰۰، صفحات ۲۹-۲۶.
۵. خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۷). *تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی استان گلستان)*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. دوفرانس، ژاک (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی ورزش*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران، انتشارات توتیا.
۷. ذکایی، سعید (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی: ثروت نامرئی». مصاحبه با دکتر توسلی، دکتر ذکایی و دکتر شارع‌پور، *مجله فرهنگ و پژوهش*، شماره ۱۰۰، صفحات ۲۹-۲۶.
۸. رحمتی، محمدمهدی (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی خشونت ورزشی*. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. سمیعی، زهره (۱۳۷۹). *بررسی تأثیر سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خانواده بر موفقیت تحصیلی و شغلی فرزندان در تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
۱۰. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، صفحات ۱۱۲-۱۰۱.

۱۱. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در گذراندن اوقات فراغت. طرح پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
۱۲. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵). سنجش سرمایه اجتماعی در استان مازندران (مناطق شهری و روستایی). مازندران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران.
۱۳. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۸). بررسی سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در بین خانواده‌های شهدای استان مازندران. معاونت پژوهشی و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران مازندران.
۱۴. شارع‌پور، محمود؛ حسینی‌راد، علی (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۲۹-۱۵ ساله بابل)». فصل‌نامه حرکت، شماره ۳۷، صفحات ۱۵۳-۱۳۱.
۱۵. عریضی، فروغ؛ وحید، فریدون؛ پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)». دوفصل‌نامه علوم حرکتی و ورزشی، شماره ۷، صفحات ۶۲-۵۳.
۱۶. فتحی، سروش (۱۳۸۸). «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی دانشجویان». پژوهشنامه علوم اجتماعی گرمسار، شماره ۴، صفحات ۱۷۴-۱۴۵.
۱۷. فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، انتشارات کویر.
۱۸. قاسمی، وحید؛ ذولاکتاف، وحید؛ نورعلی‌وند، علی (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشیگری در ورزش فوتبال). تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۹. محسنی، منوچهر (۱۳۷۵). بررسی آگاهی‌ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. میرغفوری، سیدحبیب‌الله؛ صیادی تورانلو، حسین (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل مسائل و

- مشکلات مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی (مطالعه موردی: دختران دانشجوی یزد)». نشریه مدیریت ورزشی، شماره اول، صفحات ۸۳-۱۸۸.
۲۱. نادریان جهرمی، مسعود؛ ذولاکتاف، وحید (۱۳۸۸). «موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه». *دوفصلنامه علوم حرکتی و ورزش*، شماره ۱۳، صفحات ۱۵۶-۱۴۵.
۲۲. نادریان جهرمی، مسعود؛ هاشمی، هاجر (۱۳۸۸). «عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند شهر اصفهان». *فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی*، شماره ۲۳، صفحات ۱۵۰-۱۳۷.
۲۳. نقدی، اسدالله؛ بلالی، اسماعیل (۱۳۹۰). «موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی». *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۹، شماره اول، صفحات ۱۶۳-۱۴۷.
24. Besser, T. L. (2009). "Changes in small town social capital and civic engagement". *Journal of Rural Studies*, 25, 185-193.
25. Bourdieu, P (1986). *The forms of capital*. In J. Richardson (Ed.) *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, New York, Greenwood Press.
26. Coleman, J. S. (1988). "Social capital in the creation of human capital" *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
27. Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge, Mass, Harvard University Press.
28. Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. New York, Free Press.
29. Giddens, A. (1990). *The consequences of modernity*. Stanford, Calif., Stanford University Press.
30. Putnam, R. (2000). *Bowling alone- The collapse and revival of American community*, New York, Simon & Schuster.
31. Putnam, R. D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, N. J., Princeton University Press.
32. Putnam, R. D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital". *Journal of Democracy*, 6, 65-78.
33. Righi (2013). "Measuring social capital: official statistics initiatives in Italy". *Social and Behavioral Sciences*, 72, 4 - 22
34. Wong, S. (2013). "From economic meltdown to social crunch: Lessons about social capital and economic crises". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 72, 107 - 119.